

گرامیداشت جانبازان جنبش کارگری سالگرد کشتار بیرحمانه کارگران مس خاتون آباد شهرک بابک

روز ۴ بهمن ۱۳۸۲، برابر ۲۳ ژانویه ۲۰۰۴ اعتراض و اعتصاب کارگران خاتون آباد مورد یورش عوامل سرمایه داران قرار گرفت و تعدادی از کارگران به قتل رسیده و تعدادی زخمی و دستگیر شدند. این یورش بیرحمانه عوامل رژیم به کارگران، موجی از اعتراض به این کشتار بیرحمانه و همبستگی با جنبش کارگری ایران را از طرف جریانات و نهادهای کارگری موجب گشت. فعالین جنبش کارگری و کارگران مبارز در چهلمین روز جانبازان با یک اعتصاب ۵ دقیقه‌ای و با اعلام روز واقعه کشتار کارگران مس خاتون آباد به عنوان روز جانبازان جنبش کارگری ایران همبستگی طبقاتی خود را نشان دادند.

در سالروز این جنایت وحشیانه، فعالین کارگری در داخل و خارج کشور فعالیت های گسترده‌ای را به منظور انعکاس مبارزات حق طلبانه کارگران در ایران در دستور کار گذاشته اند که از جمله اعلام ۵ دقیقه سکوت در راس ساعت ۱۰ روز چهارم بهمن است. در گرامیداشت روز جانبازان جنبش کارگری ایران، همبستگی و همصدایی خود را با حرکت شکوهمند فعالین جنبش کارگری در ایران به این مناسبت اعلام می داریم.

از مبارزات حق طلبانه پرستاران حمایت کنیم!

پرستاران، ششمین تجمع اعتراضی خود را به قصد اضافه دستمزد و کم کردن ساعات کار و طرح طبقه بندی مشاغل، که از دو سال گذشته آغاز کرده‌اند، روز ۲۹ مهر ماه، در برابر سازمان مدیریت و برنامه ریزی جمهوری اسلامی برگزار کردند.

اعتراضات ادامه دار پرستاران در اعتراض به فقر و دستنگی‌شان و فشار کار غیرقابل تحمل است. شیفت کاری پرستاران بیش از دوازده ساعت است. در کشورهای پیشرفته به ازای هر ۲۲۰ نفر یک پرستار، در کشورهای در حال توسعه به ازای هر ۶۵۰ نفر یک پرستار وجود دارد اما در ایران، به ازای هر ۹۱۵ نفر یک پرستار فعالیت می‌کند. بنابراین قاعده‌ها برای جمعیت



هفتاد میلیون ایرانی، حداقل باید ۲۱۰ هزار پرستار مشغول کار باشند، در حالی که فقط ۷۵ هزار پرستار در بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی مشغول به کار

هستند. از سوی دیگر در ایران، حدود ۴۵ هزار پرستار بیکار است.

مبارزات پرستاران بخشی از مبارزه مردم کارگر و زحمتکش و محروم جامعه علیه فقر، فلاکت، بیکاری و ناامنی شغلی است، که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بانی و حامی آن است.

نگاهی گذرا به تقابل گرایش‌های اجتماعی مختلف در درون جنبش زنان



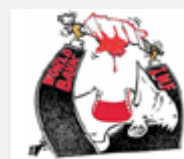
صفحه ۲

ایران صدرنشین مواد مخدر در جهان!

رشد بی‌سابقه اعتیاد در ایران، هولناک و تکان دهنده است. طبق آخرین آمار ۱۳ میلیون ایرانی در جمع خانواده‌های معتاد قرار دارند؛ بنابراین، ایران به نسبت جمعیت در صدر کشورهای مصرف‌کننده مواد مخدر در دنیا قرار دارد.



"جلوه‌هایی" از گلوبالیزاسیون



در جهان گلوبالیزه شده، کشورهای جهان سوم برای سرمایه‌گذاری خارجی انتظار می‌کشند و به شرایط تحمیلی موسسات مالی امپریالیستی تن در می‌دهند.

صفحه ۶

۲۶ بهمن روز کومه‌له گرامی باد

مراسم روز کومه‌له در خارج کشور

کانادا ، تورنتو ۲۹ ژانویه

سوئد ، استکهلم ۵ فوریه

سوئد ، گوتنبرگ ۵ فوریه

استرالیا ، سیدنی ۱۳ فوریه

فنلاند ، تورکو ۱۲ فوریه

نروژ ، اسلو ۱۹ فوریه

آلمان ، فرانکفورت ۱۹ فوریه

و ترکیه

افزایش اعتراضات و مبارزات کارگری

صفحه ۸

نگاهی گذرا به تقابل گرایش‌های اجتماعی مختلف در درون جنبش زنان



روناک آشناگر

بر مبنای تفسیری تازه از قرآن و شریعت اسلام برای آن‌ها جاذبه‌ای داشته باشد. سطح آگاهی و مبارزه تاکنونی زنان ایران از ارتجاع فمینیسم اسلامی عبور کرده است.

اما تاجایی که به فمینیسم لیبرال بر می‌گردد، این گرایش بهبود موقعیت اجتماعی زنان در جامعه را در گرو توسعه امپریالیستی اقتصاد ایران بر مبنای طرح‌های دیکته شده از جانب مراکز مالی جهانی می‌داند؛ یعنی تداوم همان برنامه‌های اقتصادی که از جانب جناح‌های مختلف جمهوری اسلامی در پیش گرفته شده و بخش‌های مختلف اپوزیسیون بورژوازی با هر ملاحظه‌ای که دارند از آن پشتیبانی می‌کنند و هیچ برنامه اقتصادی آلترناتیوی ندارند. در واقع این‌ها گلوبالیزاسیون و جهان‌گستری سرمایه را موجب رشد اقتصادی و فرهنگی و استقرار دموکراسی در جوامع در حال توسعه و همین‌ها را موجب اشتغال زنان و بهبود موقعیت اجتماعی و اقتصادی آنان و دستیابی به برابری حقوقی با مردان می‌دانند. در این رابطه حتی فقر و خانه‌خوابی زنان در کشورهای آسیای شرقی و برخی از کشورهای آمریکای لاتین که مدل توسعه امپریالیستی اقتصاد را با موفقیت از سرگزاندند، نتوانسته تغییری در مبانی فکری فمینیسم لیبرال بوجود آورد.

فمینیسم لیبرال، در واقع ریشه‌های طبقاتی ستمکشی بر زنان را نادیده می‌گیرد و نمی‌تواند این واقعیت را باور کند که رهایی کامل زنان در تحلیل نهایی یک مقوله اقتصادی است و در پیوند با مسائل اقتصادی حل می‌شود. به باور این‌ها بی‌حقوقی و موقعیت فرودست زنان در ایران، نه ناشی از حاکمیت سرمایه‌داری در ایران، بلکه ریشه در حاکمیت سنت و فرهنگ پیشامدرن در جامعه دارد. فمینیسم لیبرال، با تبیینی که از ریشه‌های ستمکشی زنان ارائه می‌دهد، راه پایان دادن به این ستمکشی را مقابله با سنت و فرهنگ پیشامدرن با اتکا به مدرنیته می‌داند. و این معنایی به جز تاکید کردن بر اهمیت توسعه اقتصادی تحت حاکمیت سرمایه‌داری به عنوان راه پایان

جنبش زنان در سطح جهانی در زمینه برخورداری از برابری حقوقی با مردان را به رسمیت می‌شناسد و اتفاقاً دستیابی به همین برابری حقوقی را جزو اهداف خود قرار داده است. این گرایش لیبرالی در ایرانی که حاکمیت سرمایه با قوانین و شریعت ارتجاع مذهبی در هم آمیخته شده است و محرومیت و ستمگری بر زنان مرزی نمی‌شناسد، با انگشت گذاشتن بر این بی‌حقوقی‌ها و طرح مطالبات زنان در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، و حقوق زن در خانواده و ... می‌تواند سمپاتی بخش‌های وسیعی از زنان را به خود جلب کند. مطالبات طرح شده از جانب فمینیسم لیبرال در برخی از زمینه‌ها، البته نه به آن جامعیتی که در برنامه کمونیست‌ها و از آن جمله در بیانیه حقوق زن از اسناد حزب کمونیست ایران مطرح شده است، شباهت دارد. اما معضل کنونی جنبش زنان، چگونگی طرح و فورموله کردن مطالبات زنان نیست، بلکه مسئله این است که این مطالبات و دستیابی به برابری حقوقی با مردان و فراتر از آن دستیابی به برابری واقعی در تمام زمینه‌ها با پیروی و دنبال کردن کدام استراتژی و افق سیاسی قابل تحقق است؟

تا جایی که به فمینیسم اسلامی مربوط می‌شود، استراتژی این جریان اصلاح و یا تعدیل برخی از قوانین جمهوری اسلامی در زمینه حقوق زنان است و برای این منظور مانور دادن در چهارچوب و محدوده‌ای که قوانین ارتجاعی رژیم تعیین کرده است را پذیرفته و از طریق همین مکانیسم‌ها برای دستیابی به اصلاحات مورد نظر خود تلاش می‌کند. اما زنان ایران و به ویژه نسل جوان، به حقوق خود بسیار آگاه‌تر از آنند که تغییرات در قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی

را با رنگ و لعابی تازه قانون‌مند کنند و با ایجاد ضوابط قانونی رفتار خودسرانه دستجات حزب الله و خوسنت مردان علیه زنان را تحت کنترل قانون در آورند. در واقع این‌ها می‌خواهند بی‌حقوقی زنان و چهره مردسالاری در ایران را «مدرنیزه» کنند.

این گرایش که عمدتاً زنان شاغل و حقوق‌بگیر طبقه متوسط و بالای جامعه را موضوع کار خود قرار داده است، تنها یکی از اهرم‌های بورژوازی ایران برای به کنترل در آوردن جنبش زنان است. گرایش فمینیسم اسلامی، با پیروی از تئوری نسبیت فرهنگی، جنبش زنان ایران را از جنبش جهانی زنان و دستاوردهای این جنبش در زمینه دستیابی به حقوق زنان و بهره‌مندی از تجارب این جنبش در عرصه‌های مختلف را جدا می‌سازد و مبارزه زنان را در چهارچوبی که حکومت دینی تعیین کرده است محصور می‌دارد.

گرایش دیگر در درون جنبش زنان، گرایش لیبرالی و یا به گفته برخی از فعالین سوسیالیست جنبش زنان، گرایش لیبرال فمینیسم در درون جنبش زنان است، این گرایش که به عنوان بازوی لیبرالیسم بورژوازی ایران در درون جنبش زنان عمل می‌کند یک واقعیت عینی درون جنبش زنان است و همان‌طور که لیبرالیسم بورژوازی ایران طیف‌های وسیع و متنوعی از اپوزیسیون لیبرال در تبعید تا اپوزیسیون داخلی و قانونی را در بر می‌گیرد، فمینیسم لیبرال نیز طیف گسترده و متنوعی را شامل می‌شود. اگر چه لایه‌هایی از این طیف وسیع مرز چندان با فمینیسم اسلامی ندارند، اما بخش‌های وسیعی از آنان بر سکولاریسم و جدائی دین از دولت تاکید می‌کنند. فمینیسم لیبرال بر خلاف فمینیسم اسلامی، دستاوردهای

بحث در مورد ستمکشی زنان و جنبش و مبارزه زنان علیه این ستمکشی در ایران به هیچ وجه بحث تازه‌ای نیست، آنچه در این دوره تازگی دارد و یا حداقل می‌توان گفت که برجستگی بیشتری یافته است آلترناتیوها و راه‌هایی است که از جانب گرایش‌های مختلف اجتماعی برای پایان دادن و یا به اصطلاح پایان بخشیدن به ستمکشی و بی‌حقوقی زنان در مقابل این جنبش قرار داده می‌شود.

برای مثال فمینیسم اسلامی، که با ظهور جنبش دوم خرداد سر بلند کرد و از همان ابتدا از حمایت مشروط اپوزیسیون لیبرال نیز بهره‌مند گشت و هم اکنون هم اصلاح‌طلبان رانده شده از حکومت و اپوزیسیون قانونی را در درون جنبش زنان نمایندگی می‌کند و یک گرایش واقعی در درون جنبش زنان است. این گرایش با توجه به بی‌حقوقی مطلق زنان در نظام جمهوری اسلامی، خواستار آن است که تغییراتی در سیاست‌های جمهوری اسلامی و قوانینی که در جهت به بند کشیدن زنان و مشروعیت دادن به این بی‌حقوقی‌ها وضع شده‌اند، داده شود.

این‌ها برای تضمین بقای رژیم اسلامی، در تلاشند تا اسلام را با پیشرفته‌های اجتماعی و فرهنگی زمانه هماهنگ سازند و با ارائه تفسیری دوباره از قرآن و شریعت اسلام راهی بگشایند تا زنان تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تا حدودی از امکانات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برخوردار گردند. نشریات ویژه زنان، که زیر نظر دولت منتشر می‌شوند آشکارا این گرایش را تبلیغ و ترویج می‌کنند. این‌ها می‌خواهند سلطه مردان بر زنان را تحت ضابطه و قاعده در آورند؛ اختیارات مردان بر حقوق زنان

بهرام رحمانی

ایران صدرنشین مواد مخدر در جهان!

عوام الناس دهد. جماعتی که برای کسب پول و ثروت و قدرت و نگهداری آن، به هر جنایتی متوسل می‌شوند، قطعا از درآمد میلیاردری مواد مخدر نیز نمی‌توانند چشم‌پوشی کنند.

براساس اقرار علی هاشمی، جانشین رییس جمهور در ستاد مبارزه با مواد مخدر، مواد مخدر با ۱۵۰ روش وارد زندان‌ها می‌شود و در هر ساعت ۴۴ ایرانی در ارتباط با مواد مخدر دستگیر می‌شوند. اخیرا نیز فاش شده است که بسیاری از زنان زندانی، حتی زنانی که محکوم به حبس ابد هستند، حامله شده‌اند. آیا غیر از عوامل و عناصر خود رژیم، کس دیگری می‌تواند مواد مخدر را به زندان‌ها وارد کند و یا به زنان زندانی تجاوز نماید؟! نگاهی به چند آمار رسمی ضد و نقیض که از فیلترهای سانسور گذشته و در روزنامه‌ها درج شده است، می‌اندازیم:

— پلیس ایران در سال ۱۳۸۲، حدود ۲۰۱ هزار تن تریاک کشف کرده است که ۱۸۰ هزار تن، یعنی ۹۰ درصد از این کشفیات در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان، کرمان، هرمزگان، یزد و فارس بوده است. — کشفیات تریاک در سال ۱۳۸۲، نسبت به سال ۱۳۸۱ که ۱۳۱ هزار تن بوده، حدود ۵۴ درصد رشد داشته است.

— در نیمه اول سال ۲۰۰۴ (اواسط دی ۸۲ تا خرداد ۸۳)، آمار کشفیات مواد مخدر در ایران ۱۲۰ تن بوده که ۸ تن آن مرفین، ۳۵ تن حشیش و مابقی تریاک و هروئین بوده است. — ۱۷ تن از حشیش‌های کشف‌شده به مقصد کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در حال قاچاق بوده است.

— ۱۲۰ هزار هکتار زمین زیرکشت مواد مخدر در افغانستان وجود دارد که مرکز اصلی آن اراضی اطراف رود هیرمند به ویژه استان هلمند در نزدیکی مرزهای ایران است.

— منابع سازمان ملل، حجم مواد مخدر تولیدی افغانستان

این‌رو حداقل در کردستان و استان کرمانشاه، شواهد و قرائن زیادی وجود دارد که نشان می‌دهند باندهای توزیع مواد مخدر تحت حمایت «سرداران و سالاران» سپاه پاسداران، مامورین انتظامی، نیروهای بسیج، وزارت اطلاعات، و فرقه‌هایی که تحت عنوان «حزب و سازمان» در کلیه دم و دستگاه رژیم از بالا تا پایین حضور دارند، قرار دارند.

بنا به آمارهای رسمی منتشرشده از سوی مقامات و ارگان‌های رژیم، روزانه ۲۰۰۰ کیلو از انواع مواد مخدر در ایران مصرف می‌شود که سالانه فقط ۱۲۰ تن از این مواد افیونی کشف و ضبط می‌شود. استفاده از مواد مخدر در تاریخ ایران، به ویژه در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مواد مجالس و مهمانی‌های «علما و بزرگان و مقامات عالی‌رتبه» است. اعتیاد هم مانند همه گوشه‌های حیات اجتماعی طبقاتی است، یعنی مقامات به اصطلاح لشکری و کشوری و پولداران، هرگز کارشان به کلانتری‌ها، بیمارستان‌ها و گوشه خیابان خوابیدن و جان دادن، کشیده نمی‌شود که آماری از آن‌ها وجود داشته باشد، بلکه قربانیان آن اصولا افراد متوسط و پایین جامعه هستند که به دلایل متعددی از جمله فشارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی در دام مخوف هیولای اعتیاد گرفتار شده‌اند.

آقازاده‌هایی که در ناز و نعمت می‌لوند و شبانه روز از هزار و یک تفریح از جمله مواد مخدر نیز استفاده می‌کنند، سازمان‌دهندگان اصلی توزیع مواد مخدر و اجناس قاچاق هستند و از این راه، ثروت‌های کلانی نیز به جیب زده‌اند. مهم‌تر از همه در طول تاریخ معروف است که آخوند جماعت اگر تریاک نکشد، نمی‌تواند در بالای منبر خرافات و مزخرفات مذهبی را با توسل به انواع و اقسام تزویر و ریا و شیون سرهم‌بندی کند و به خورد

رشد بی‌سابقه اعتیاد در ایران، هولناک و تکان دهنده است. طبق آخرین آمار ارائه شده از سوی سازمان ملل، ۱۳ میلیون ایرانی در جمع خانواده‌های معتاد قرار دارند؛ بنابراین، ایران به نسبت جمعیت در صدر کشورهای مصرف کننده مواد مخدر در دنیا قرار دارد.

بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی، نه تنها به دلیل اعدام دسته‌جمعی زندانیان سیاسی، اعمال شکنجه‌های هولناک بر زندانیان سیاسی، سنگسار و قطع اعضای بدن انسان‌ها با اتکا به قوانین وحشیانه اسلامی، آموزش و سازماندهی جوخه‌های ترور، کودک‌آزاری، سرکوب سیستماتیک زنان، استثمار شدید مزدبگیران و سرکوب جنبش کارگری و جنبش‌های دیگر نظیر جنبش جوانان و دانشجویان، زنان و مردم محروم و تحت ستم، تهدید و ترور نویسندگان و روزنامه نگاران و غیره معروف بوده است، اکنون نیز در سازماندهی معتاد کردن جوانان برای کسب سود از بازار میلیاردری فروش مواد مخدر و رها شدن از اعتراض جوانان با مبتلا کردن آنها به افیون، صدرنشین کشورهای جهان شده است.

هر کسی که کوچک‌ترین آشنایی به مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داشته باشد، بلافاصله درباره رشد صعودی اعتیاد در ایران خواهد گفت که با تعدادی قاچاقچی سودجو نمی‌توان در ابعاد وسیع مواد مخدر جابه‌جا کند و انسان‌ها را در سطح چند میلیونی معتاد کرد؛ مگر این که باندهای مافیای رژیم، پشت صحنه سازمانده و گرداننده اصلی آن باشند. برای مثال چند سال پیش یکی از مقامات رژیم جمهوری اسلامی در کردستان، خطاب به جوانان گفته بود که بلایی به سرتان خواهیم آورد که هرگز از آن رهایی نخواهید یافت. از



⇒ دادن به مصائب زنان ندارد. فمینیسم لیبرال، با این تبیینی که از راه فائق آمدن بر موقعیت فرودست زنان ارائه می‌دهد، بیگانگی آشکار خود را با مسائل و معضلات اکثریت زنان جامعه که به طبقات پایین جامعه تعلق دارند و بی‌حقوقی و فرودستی‌شان اساسا ناشی از وجود مناسبات سرمایه‌داری است، نشان می‌دهد. به همین دلیل فمینیسم لیبرال، با راه‌حلهایی که در پیش پای جنبش زنان قرار می‌دهد نه تنها نمی‌تواند وحدت مبارزاتی جنبش زنان را تامین کند، بلکه مانع توده‌ای شدن این جنبش می‌شود. فمینیسم لیبرال، با مبانی فکری و افقی که پیشاوری خود قرار داده است عملا به یک پای پیشرود برنامه‌های توسعه و استقرار جامعه مدنی که مورد نظر جناح‌های مختلف بورژوازی ایران است، تبدیل شده است و از همین رو، برخورد اغماض‌آمیز جمهوری اسلامی به فعالیت و مانور دادن‌های این گرایش لیبرالی در درون جنبش زنان به هیچ‌وجه امری تصادفی نیست.

بنا به آنچه که گفته شد سوسیالیسم کارگری در درون جنبش زنان، بیش از آن‌که لازم باشد خود را درگیر بحث بر سر چگونگی فورموله کردن مطالبات زنان با گرایش‌های دیگر کند، باید ماهیت استراتژی و افقی را که این جریان لیبرالی در مقابل جنبش زنان قرار می‌دهد و عواقب و پیامدهای این استراتژی را برای توده وسیع زنان و مردم آزاده توضیح دهد و نشان دهد که جنبش زنان برای پایان دادن به ستمکشی و موقعیت فرودست زنان راهی جز دست بردن به ریشه‌های طبقاتی این ستمکشی و به مصاف طلبیدن مناسبات طبقاتی در جامعه سرمایه داری را ندارد.



ایران صدرنشین مواد مخدر در جهان!



➡ در امسال را حدود ۵ هزار تن

تخمین می‌زنند. این رقم در سال ۱۳۸۱، حدود ۳۴۰۰ تن و در سال ۱۳۸۲، حدود ۳۸۰۰ تن بوده است. بنابراین پس از اشغال نظامی افغانستان توسط نیروهای آمریکایی و متحدینش، تولید مواد مخدر در آن کشور افزایش یافته است.

— با توجه به تولید ۵ هزار تن مواد مخدر در افغانستان، قیمت تریاک در فصل فروش امسال که از اواخر بهار شروع می‌شود، نسبت به سال گذشته ۶۰ درصد کاهش یافته است. یعنی مصرف‌کنندگان به راحتی می‌توانند آن را تهیه کنند.

— آمارها نشان می‌دهد که ورود مواد مخدر به ایران، به دلیل افزایش سطح تولید در افغانستان، در سال ۱۳۸۲، نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۸۱، حدود ۲۰ درصد رشد داشته است.

— حجم بازداشت‌های ناشی از «مبارزه» با مواد مخدر، در سال ۱۳۸۲، حدود ۳۶۷ هزار نفر بوده که ۲۵۸۵۰۰ نفر از آن معتاد و ۱۰۸۵۰۰ نفر را قاچاقچیان تشکیل داده‌اند.

— تعداد معتادین به مواد مخدر در ایران ۲۰۰۰۰۰۰ نفر و گنجایش مراکز بازپروری معتادان فقط ۱۰ هزار نفر است.

— ۶۰ درصد معتادان خیابانی دستگیرشده در یکی از عملیات‌های پلیس که در ۸۴ نقطه اصلی آلوده تهران انجام شده، متاهل هستند که سابقه ۳ تا ۲۰ سال اعتیاد دارند.

— کشفیات هروئین، یعنی یکی از خطرناک‌ترین انواع مواد مخدر در سال ۱۳۸۲، حدود ۳۸۰۰ کیلو بوده که نسبت به سال قبل ۲۹ درصد افزایش یافته است.

— مرگ و میر معتادان ایرانی، در سال ۱۳۸۲، نسبت به سال ۱۳۸۱، از ۳۵۰۰ نفر به ۴۵۰۰ نفر رسیده است.

— ۶۰ درصد پرونده های قضایی مرتبط با قاچاق پستی مواد مخدر از سال ۱۳۷۰ تاکنون هنوز مفتوح است که دلیل اصلی آن جعلی بودن

آدرس‌هاست. (۱)

در پژوهشی که به بررسی برخی مشخصات معتادان نوجوان ایرانی مراجعه‌کننده به یک مرکز اعتیاد تهران با حداکثر ۲۰ سال سن شامل جنسیت، زمان شروع، نوع مواد مصرفی، روش مصرف، سابقه ترک، وضعیت خانوادگی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، وجود علایم روانی، سابقه اقدام به خودکشی پرداخته است، مشخص شد ۹۸/۴۶ درصد مراجعه‌کنندگان مرد بوده‌اند. طبق این پژوهش، کم‌ترین سن شروع به اعتیاد ۸ سالگی است. ۷۹/۹۹ درصد از آنان بیش‌ترین ماده مورد مصرف خود را تریاک و هروئین و بالاترین روش مصرف را تدخین (۴۳/۱۸ درصد در مورد تریاک و ۵۷/۱۴ درصد برای هروئین) عنوان کرده‌اند. در ۷۶/۹۳ درصد این افراد حداقل یکبار سابقه ترک وجود داشته است. (۲)

پژوهش فوق مشخص کرده است که ۷۳/۸۴ درصد آنان وضعیت ناهنجار اجتماعی - اقتصادی و ۶۰ درصد وضعیت ناهنجار خانوادگی از نظر عاطفی داشته‌اند. در تمام این افراد علایم روانی بیش از همه اضطراب و افسردگی و در ۲۱/۵۳ درصد از آنها سابقه مراجعه به مراکز سرپایی یا بستری روان پزشکی به دلیل علایم روانی وجود داشته که از میان عده اخیر در ۲۸/۵۷ درصد موارد سابقه اقدام به خودکشی بیان شده است. در یک پژوهش دیگری که توسط معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی جمهوری اسلامی در مورد مصرف مواد مخدر نشان می‌دهد، سهم نسبتاً بالای نوجوانان در کل جمعیت معتادان کشور ۱۳ درصد است که ۷۶/۹۳ درصد از آنها سابقه لااقل یک بار ترک اعتیاد دارند و این به خوبی پایین بودن سن شروع اعتیاد در کشور را نشان می‌دهد و هشدار و زنگ خطر جدی برای کل جامعه ایران است. مصرف مواد مخدر نوجوانان و جوانان ایرانی را علاوه بر معضلات و مشکلات نفس‌گیری که بر سر راه زیست و زندگیشان قرار می‌گیرد، به

همین دلیل ایران، بهترین محور ترانزیت مواد مخدر به اروپا است.

براساس گزارش اخیر سازمان ملل متحد، نزدیک به یک هزار و ۶۰۰ میلیارد دلار گردش سالانه پول بابت خرید و فروش مواد مخدر در جهان است. همچنین براساس گزارش‌های بین‌المللی در سال ۲۰۰۳، ۲۰۰ میلیون معتاد، ۱۰ میلیون شبکه قاچاق و نزدیک به یک و نیم میلیون نفر که به نحوی با پدیده مواد مخدر درگیر بودند در جهان مورد شناسایی قرار گرفته‌اند.

همچنین براساس گزارش‌های رسمی، در ۲۰ سال گذشته، حدود دو میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در ارتباط با قاچاق و مصرف مواد مخدر در ایران دستگیر شده‌اند.

اعتیاد در ایران، حتی به مدارس نیز کشیده شده است. بنا به گفته رییس تربیت بدنی و تندرستی آموزش و پرورش تهران، نزدیک به ۱۱۴۰۰ دانش آموز معتاد تحت پوشش طرح ترک اعتیاد قرار می‌گیرند. مطابق این آمار، تنها بخشی از معتادان مدارس را در برمی‌گیرد، در هر مدرسه حداقل یکصد دانش‌آموز معتاد به موارد مخدر هستند. رییس تربیت بدنی، ۱۱ منطقه آموزش و پرورش تهران را که پیش از مناطق دیگر در معرض اعتیاد قرار دارند به این شرح اعلام کرد: مناطق ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ شهر تهران. دانش‌آموزان معتادی که دست‌چین شده‌اند، قرار است در سال تحصیلی جدیدی که آغاز شده است تحت پوشش طرح «مدرسه سه مروج سلامت» که در واقع به نوعی «ترک اعتیاد» است، قرار گیرند. مدیران مدارس، دانش‌آموزان معتاد را شناسایی کرده و به این گروه معرفی می‌کنند.

بیماری‌های مسری به ویژه بیماری هپاتیت و ایدز مبتلا می‌سازد و به ارتکاب جرایم گوناگون نیز می‌کشاند. دکتر شهلا احمدی، معاون پیشگیری از آسیب‌های بهزیستی تهران نیز با اشاره به این که در ۲۰ سال اخیر، رشد ابتلا به مواد مخدر سه برابر شده است، گفت: «در سال ۷۷ تعداد معتادان کشور ۲ میلیون نفر بوده است؛ در حالی که در سال ۸۰، این رقم به ۳ میلیون و ۸۵۰ نفر معتاد در کشور رسید.» (۳)

مدیرکل مرکز مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی تهران اعلام کرد: «از دو میلیون معتادی که در کشور وجود دارد، در سال گذشته، حدود ۴۲۹۶ نفر به دلیل سوءمصرف مواد جان خود را از دست داده‌اند. در این مدت حدود ۴۸ هزار و ۷۷۲ نفر در امر مواد مخدر دستگیر شدند که ۳۰۲ نفر آنها زن بودند. ۳۰ نفر از قاچاقچیان دستگیر شده مرد و ۳۵ نفر آنها زن بودند. در جریان پاکسازی ۱۵۷ نقطه آلوده در شهر تهران، ۴۹ هزار و ۹۷۳ نفر دستگیر شدند که از این تعداد ۲۶ هزار و ۵۶ نفر معتاد و ۱۷ هزار و ۷۹۱ نفر خرده فروش بوده‌اند. در ۹ ماه گذشته، ۴۱ هزار و ۴۳۲ پرونده قضایی برای معتادان مواد مخدر تشکیل شده است. در ۶ ماه گذشته، ۳ تن ۶۰۸ کیلوگرم انواع مواد مخدر کشف و شناسایی شده است که ۲ تن آن تریاک، یک تن حشیش، ۲۰۰ کیلوگرم هروئین و مقداری از سایر مواد بوده است. وی گفت: ظرفیت اردوگاه قرچک ورامین تنها هزار نفر است؛ در حالی که شهر تهران حدود ۵ هزار معتاد و کارتن‌خواب تزییقی وجود دارد.» (۴)

ایران، دارای مرزهای مشترک طولانی با افغانستان (۹۴۵ کیلومتر) و پاکستان (۹۷۸ کیلومتر) است، به

جهان امروز

نشریه سیاسی
حزب کمونیست ایران

سر دبیر:
هلمت احمدیان

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

اگر مایلید جهان امروز را
از طریق پست الکترونیکی
دریافت دارید، آدرس خود
را برای ما ارسال دارید.

ha@cpiran.org



— «جهان امروز» تنها مطالبی
را که صرفاً برای این نشریه ارسال
شده باشد چاپ می‌کند.
— استفاده از مطالب جهان
امروز، با ذکر مآخذ آزاد است.
— مسئولیت مطالب «جهان
امروز» با نویسندگان آن است
و تنها مطالبی که با نام «جهان
امروز» امضا شده باشند، موضع
رسمی نشریه است.

— جهان امروز در ویرایش و
کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد
است. این امر قبل از چاپ به
اطلاع نویسنده می‌رسد.
— مطالب «جهان امروز» با
برنامه واژه نگار تایپ می‌شود
و حداکثر سقف مطالب ارسالی
سه صفحه آ با سایز ۱۶
می‌باشد.

شماره حساب جهان امروز

S-E Banken F-S
53682990054

و اجتماعی و فرهنگی، تولید و
کارآرایی، مشکلات خانوادگی، طلاق،
بی‌کاری و خودکشی و غیره منجر
شود. بدون شک جامعه و دولت در
قبال معتمدان مسئولیت دارند. مادام
که در ایران، یک دولت مسئول و
انسانی وجود ندارد، تشکلهای توده‌ای
در حد توان و ظرفیت خود می‌تواند،
این خلاء بزرگ را پر کند. نباید
فراموش کنیم که اعتیاد، یک معضل
و بیماری اجتماعی بوده و طبیعتاً راه
حل آن نیز یک راه اجتماعی است.
بنابراین اعتیاد، یکی از مهم‌ترین
آسیب‌های جامعه ایران محسوب
می‌شود پس باید به یاری معتمدان
بشتابیم.

۱۲ ژانویه ۲۰۰۵

منابع:

- ۱- روزنامه وقایع اتفاقیه، ۴ تیر ماه
۱۳۸۳
- ۲- خبرگزاری سینا، یکشنبه ۷ تیر
ماه ۱۳۸۳
- ۳- خبرگزاری کار ایران، ایلنا، ۷ آذر
۱۳۸۳
- ۴- خبرگزاری کار ایران، ایلنا، ۲۴
آذر ۱۳۸۳

از سایت حزب کمونیست ایران



www. cpiran .org

سایت کومه‌له



www. komalah . org

سایت رادیو صدای کومه‌له

www. radiokomaleh.com

روی شبکه اینترنت دیدن کنید!

→ با توجه به آمارهای بالا،
معضل اعتیاد در ایران به یک
بحران اجتماعی تبدیل شده است که
متأسفانه روزانه جان تعدادی از انسان‌ها
را می‌گیرد و تعداد هر چه بیش‌تری
را نیز مبتلا می‌سازد. رشیه اصلی
این بحران را باید در بطن سیاست‌های
غیرانسانی اقتصادی و اجتماعی
جمهوری اسلامی جستجو کرد. این
رژیم تاکنون، هیچ قاچاقچی عمده
فروش را معرفی نکرده است، در
حالی که ده‌ها هزار از خرده‌فروش‌ها
و قربانیان این مواد افیونی
سرمایه‌داران، یعنی معتمدان را دستگیر
و زندان و اعدام کرده است. زیرا
باند‌های عمده توزیع مواد مخدر در
پناه عوامل و عناصر و ارگان‌های
رژیم قرار دارند. بنابراین تا روزی که
جمهوری اسلامی سرپاست نباید انتظار
داشت، معضل اعتیاد مانند هر بحران
اجتماعی دیگر، حتی مهار شود.

در چنین شرایطی تشکلهای مردمی،
از جمله برای کمک به معتمدان جایگاه
ویژه‌ای پیدا می‌کنند. ضروری است که
دست اندرکاران و فعالین مسایل
اجتماعی و سیاسی با همکاری
روانشناسان و پزشکان داوطلب مراکز

صدای حزب کمونیست ایران

هر شب: ۲۰ - ۲۱

صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز



صدای انقلاب ایران

صبح‌ها: ۷ - ۸

ظهرها: ۱۳ - ۱۴

عصرها: ۱۹ - ۲۰

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 704 45
107 25 Stockholm - Sweden
Tel/Fax +46-08-86 80 54
E-mail: cpi@cpiran.org

کمیته خارج کشور حزب

K.KH.K Box 704 45
107 25 Stockholm - Sweden
E-mail: kkh@cpiran.org

آدرس‌های

حزب کمونیست ایران و کومه‌له

دفتر نمایندگی کومه‌له

در سلیمانیه

Tel . 3124760 - 3125815

کمیته مرکزی کومه‌له

Tel. 0044-70-775 207 81

komalah@komalah.org

دفتر نمایندگی کومه‌له

K.K. P.O.Box75026

Box 750 26 Uppsala- Sweden

Tel/Fax: +46-18-46 84 93

komala@cpiran.org

پیشرو ارگان

کمیته مرکزی کومه‌له

به زبان کردی هر ۱۵ روز یکبار

و به زبان فارسی به صورت

ماهانه منتشر می‌شود.

پیشرو را می‌توان در سایت

کومه‌له مطالعه و یا چاپ و به

دست علاقمندان رساند.

نادر احمدی

"جلوه‌هایی" از گلوبالیزاسیون



گران‌قیمت ساخت کشورهای غربی نیستند و به همین دلیل دولت اقدام به وارد کردن داروهای مشابه و ارزان از کشور هند کرد که با اعتراض دولتها

و کمپانی‌های دارویی غربی مواجه شد، زیرا آنها می‌خواهند که دولت آفریقای جنوبی فقط از آنها داروی گران بخرد و یا بگذارد که بیماران بمیرند (در اوائل سال ۲۰۰۵ پسر نلسون ماندلا از بیماری ایدز فوت کرد). در اینجا واقعیت نشان می‌دهد که گلوبالیزاسیون آزادی تجارت نیست، بلکه دیکتاتوری مطلق سرمایه است و تلویزیون (CNN) تظاهرات مردم آفریقای جنوبی بر علیه کمپانی‌های دارویی غربی را نشان داد که بر روی پلاکارد نوشته بودند: سرمایه داری یک سیستم مریض است.

بر اثر انفجار کارخانه تولید مواد شیمیایی متعلق به شرکت آمریکایی یونیون کار در شهر بوپال در هند هزاران نفر کشته و محیط زیست و آب مصرفی آلوده شده اما این شرکت هیچ مسئولیتی نمی‌پذیرد. کمپانی نفتی شل، در کشور آفریقای نیجریه با خرید نفت ارزان از دولت نیجریه، هیچ سودی به مردم که نمی‌رسانند هیچ، اما رودخانه‌ها و زمین‌های کشاورزی را با آلوده کردن بی‌استفاده می‌کند و اگر نویسنده‌ای مثل کن سارو ویوا "اعتراض می‌کند با اشاره کمپانی "شل" حکومت نظامی او را اعدام می‌کند.

کمپانی‌های مهندسی ژنتیک در غرب، بذر صادراتی خود را به کشورهای جهان سوم را چنان تغییر داده‌اند که فقط یک بار قابل کاشتن هستند و برای بار دوم قابل کاشت نیستند و کشاورزان باید دوباره همان بذر را خریداری کنند (شاید از همان کمپانی!!!!).

بودجه ارتش آمریکا، معادل بودجه ۱۱ کشور بعد از خود است. اما این دولت، با ۳۰۰ میلیارد دلار بدهی داخلی و خارجی مقروض‌ترین دولت

می‌شوند.

دولت آمریکا، در حالی از گلوبالیزاسیون و نتولیرالیسم دفاع می‌کند که خود در جهت حمایت از صنایع فولاد آمریکا بر روی فولاد وارداتی حتی از اروپا، کانادا و ژاپن مالیات سنگین بسته است که این کشورها در چهارچوب سازمان تجارت جهانی، آمریکا را به اقدام مشابه تهدید کردند.

در جهان گلوبالیزه شده، کشورهای جهان سوم برای سرمایه‌گذاری خارجی انتظار می‌کشند و به شرایط تحمیلی موسسات مالی امپریالیستی تن در می‌دهند.

کشور آفریقای ملاوی، مثل بقیه کشورهای جنوب آفریقا که از گرسنگی و بیماری ایدز رنج می‌برند. سازمان‌های مدافع حقوق بشر، اتحادیه اروپا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را مسئول می‌دانند که آنها دولت ملاوی را مجبور کرده‌اند که با وجودی که این کشور از گرسنگی رنج می‌برد، اما ۱۶۷۰۰۰ تن غلات ذخیره خود را بفروشد تا بدهی خود را به یک بانک آفریقای جنوبی بپردازد و به علاوه این دولت در سال ۲۰۰۴ مجبور می‌شود که سوسید و حمایت از کشاورزان را قطع کند که در نتیجه قیمت ذرت و برنج در بازار ملاوی ۴۰ درصد گران‌تر می‌شود.

در نتیجه فشار صندوق بین‌المللی پول، خزانه‌داری آمریکا و بانک جهانی، دولت روسیه در دوران یلتسین اقدام به خصوصی‌سازی صنایع زد و نرخ برابری ارز روسیه را افزایش داد و یک طبقه مرفه ایجاد شد که آنها با آگاهی از بی‌ثباتی اقتصاد روسیه پول‌های خود را به خارج منتقل کردند که در نتیجه صادرات صنایع روسیه کاهش پیدا کرد و ده‌ها هزار کارگری که حتی ماه‌ها حقوقی دریافت نکرده بودند، به کلی بیکار شدند.

کشور آفریقای جنوبی بیش‌ترین تعداد مبتلایان به ایدز را در جهان دارد اما بیماران قادر به خریدن داروهای خیلی

گلوبالیزاسیون و جهانی شدن، تهاجم تمام عیار سرمایه‌داری برای تسخیر جهان تشکیل دولت، پول، اقتصاد و ارتش واحد جهانی است و سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل، ناتو و جی ۸ از ابزارهای این اهداف هستند. گلوبالیزاسیون در واقع همان آمریکانیزاسیون نیز هست. این سرمایه آمریکایی بود که بعد از جنگ دوم جهانی دوم با تدارک "طرح مارشال" اروپای تخریب شده را بازسازی کرد. در جهت حمایت از سرمایه آمریکایی، ارتش آمریکا تمام کره زمین را اشغال نظامی کرده است. نیازمندی اقتصاد آمریکا به انرژی، اساس طرح آمریکایی "خاورمیانه بزرگ" برای کنترل کامل آن است. منابع نفت و گاز در جمهوری‌های سابق شوروی در آسیای مرکزی، خاورمیانه، آفریقا و آمریکای جنوبی از اولویت‌های گلوبالیزاسیون سرمایه آمریکایی هستند.

از ابزارهای گلوبالیزاسیون سرمایه، بانک جهانی است که در سال ۱۹۴۴ تأسیس شد. هر کشور برای عضویت در بانک جهانی، باید قبلاً به عضویت صندوق بین‌المللی پول در آمده باشد. رئیس بانک جهانی، از بزرگ‌ترین کشور سهام‌دار یعنی آمریکا می‌آید. هر کشور متقاضی وام از بانک جهانی، ابتدا باید اقتصاد خود را لیبرالیزه کند، یعنی بخش دولتی را خصوصی کند، برای سرمایه‌گذاری خارجی تضمین‌های کافی ایجاد کند، به سیاست حمایت از محصولات داخلی خاتمه دهد، نرخ ارز را شناور کند و به دادن سوسید و حمایت از کشاورزان و اقشار محروم پایان دهد، اما کشورهای غربی با دادن سوسیدی به کشاورزان و دامداران خود محصولات بدین‌ترتیب ارزان تمام شده آنها را سرازیر کشورهای جهان سوم می‌کنند و کشاورزان و دامداران آن‌جا که از سوسید و حمایت دولتی محروم هستند، قادر نیستند با محصولات ارزان و دولتی رقابت کنند و ورشکست

جهان نیز هست. دولت آمریکا، علاوه بر این‌که در کنار کشور اسلامی ایران و دولت چین رکورد دار اعدام در جهان است، ۲ میلیون نفر آمریکایی و اکثراً سیاهپوست را زندانی کرده و کمپانی‌های آمریکایی با تأسیس کارخانه‌ها در زندان به استثمار زندانیان مشغولند و زندانیان حبس‌های طولانی می‌گیرند و یا رسیدگی به پرونده‌های آنها بسیار طولانی‌است تا بیش‌تر در زندان بمانند و برای سرمایه داران کار کنند.

در آمریکا، به عنوان تنها کشور غربی ۴۰ میلیون نفر فاقد بیمه خدمات درمانی هستند و مردم مناطق هم مرز با کانادا به صورت گروهی به آن‌جا می‌روند تا دارو بخرند، زیرا در کانادا دارو ۶۰ درصد ارزان‌تر از آمریکا است.

بین سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۸۳، یک درصد از مردم آمریکا یعنی ۶۱/۶ و ۸۰ درصد از مردم ۱/۲ درصد از ثروت ملی را در اختیار داشته‌اند. براساس پیمان Nafta سرمایه‌داران آمریکایی می‌توانند آزادانه در مکزیک سرمایه‌گذاری کنند اما کارگر مکزیک نمی‌تواند آزادانه به آمریکا برود و کار کند و اگر غیرمجاز از موانع مرزی عبور کرد و وارد آمریکا شد باید در شرایط بردگی در آن‌جا در Sweatshop کار کند.

دولت آمریکا در سال ۲۰۰۴، تعداد مهاجرانی را که سالانه براساس نیاز خود وارد می‌کند را از ۱۱۵۰۰۰ به ۱۱۹۰۰۰ نفر افزایش داد.

سازمان ملل، گزارش می‌کند که تعداد مهاجران جهانی از ۲ میلیون نفر در سال ۱۹۷۵، به ۲۷ میلیون نفر افزایش پیدا کرده است و میلیون‌ها نفر سرمایه انسانی (Brian Drain) از ایران، افغانستان،

"جلوه‌هایی" از گلوبالیزاسیون

⇒ عراق، سومالی، چین و... به غرب آمده‌اند تا نیاز ماشین اقتصادی غرب را از نیروی انسانی تامین کنند.

اخیرا دولت جمهوری اسلامی و دولت ایتالیا، مذاکراتی انجام داده‌اند تا جوانان بیکار و تحصیل کرده ایرانی را که تهدیدی برای رژیم هستند به ایتالیا صادر کنند، اما به شرطی که قبلا در ایران آموزش کافی دیده باشند (لقمه آماده). به نقل از BBC در کنفرانس اخیر در شرم‌الشیخ در مصر، آقای "کلین پاول" وزیر خارجه آمریکا، در ملاقات دوستانه‌اش با کمال خرازی مراتب نگرانی خود را از تعداد زیاد جوانان بیکار در ایران ابراز داشت!!!.

نشریه آمریکایی Foreign Affairs نوشت که: «هزینه بزرگ کردن یک بچه در یک خانواده متوسط آمریکایی تا به سن ۱۸ سالگی برسد بالغ بر ۲۰۰۰۰۰ دلار می شود و بدین

ترتیب کشورهای غربی با وارد کردن صدها هزار مهاجر مجانی از یک طرف رشد منفی جمعیت خود را جبران می‌کنند و از طرف دیگر مثل قرن هفدهم لازم نیست که به آفریقا بروند و برده‌ها را به اروپا و آمریکا برسانند تا به کمال میل بردگی کنند». ۳۲ اتحادیه کارگری و سازمان مدافع حقوق بشر و بزرگترین اتحادیه کارگری در آمریکا AFL-CIO در سال ۲۰۰۳ بیانیه‌هایی در محکومیت گردهمایی سازمان تجارت جهانی WTO در مانون مکزیک به خطر نقض حقوق کارگران و نقض حقوق بشر صادر کردند.

در ایران، خاتمی تعداد افراد زیر خط فقر را یک میلیون نفر، اما مرکز آمار ایران این تعداد را ۸ میلیون نفر می‌داند و دولت با افزایش قیمت نان ۹ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان را نصیب خود کرده است. در خرداد ماه سال جاری، در

مناقشه حفر چاه در حوزه ۹ و ۱۰ پارس جنوب، شرکت آمریکایی هایبرتون مبلغ ۲۸۲ میلیون دلار پیشنهاد داده بود، اما وزارت نفت جمهوری اسلامی (تا مراتب ارادات خود را به آمریکایی‌ها نشان دهد!!!) خود مبلغ ۷۸ میلیون دلار به آن اضافه می‌کند و دستمزد شرکت هایبرتون را از ۲۸۲ به ۳۶۰ میلیون دلار افزایش داد.

کمپانی هایبرتون که "دیک چنی" معاون رئیس جمهور آمریکا از مدیران آن است، برای گریز از تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران، از طریق شرکت‌های خارجی وابسته به خود عمل می‌کند و شرکت ایرانی "ارینتال ایل کیش" که سیروس ناصری رئیس تیم مذاکره کننده در پرونده هستمای، عضو هیات مدیره آن است نقش واسطه و تضمین کننده دریافتی‌های هایبرتون از جمهوری اسلامی را در این قرارداد بر عهده دارد. بیش از ۶۶۵۰ شرکت ایرانی در دوی سرمایه‌گذاری کرده‌اند و حدود ۲۵ درصد از جمعیت فعال و سرمایه‌گذار در کشور دویی را ایرانیان مهاجر تشکیل می‌دهند، حجم مبادلات ایران و دویی به ۴/۴ میلیارد دلار رسیده است که دویی به عنوان دومین کشور صادرکننده کالا به ایران، خود کالاهای وارداتی را به ایران صادر می‌کند.

این مسائل در حالی اتفاق می‌افتند که به عنوان نمونه از یک میلیارد و ۱۴۸ میلیون کودک در جهان، حداقل ۱۰۰ میلیون نفر از آن‌ها در خیابان‌ها می‌خوابند. کشورهای صنعتی، کشتی‌های فرسود خود را به هند، بنگلادش و چین می‌فرستند تا در آن‌جا بچه‌های فقیر در مقابل دستمزد ناچیز آن‌ها را اوراق کنند. تنها در قاره آسیا حداقل ۱۴۶ میلیون کودک در کارگاه‌ها کار می‌کنند و سازمان ملل می‌گوید که سالانه یک میلیون کودک در جهان به فحشا کشیده می‌شوند.



روز کومه‌له، روز گرامیداشت تلاش جریانی است، که افق سوسیالیزم را در جنبش انقلابی بر روی توده‌های محروم مردم کردستان گشود.

روز گرامیداشت فعالیت سازمانی است که برای دستیابی به خواست عادلانه مردم کردستان یعنی کسب حق تعیین سرنوشت و پایان دادن به ستم ملی، علیه جمهوری اسلامی پیگیرانه مبارزه کرده است.

استراتژی کومه‌له در کردستان بر مبارزه کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، بر مبارزه علیه مردسالاری و سن‌های عقب مانده در برخورد به زنان، بر مبارزه برای تامین آزادیهای سیاسی و حقوق اولیه مردم زحمتکش استوار است.

روز کومه‌له، روز گرامیداشت حرکت‌های اجتماعی و پیشروی است که کردستان ایران را به سنگر مقاومت در برابر ارتجاع و ستمگری و دفاع از آزادی و آرمانهای انسانی تبدیل کرده است.

گرامی یاد ۲۶ بهمن روز کومه‌له

۲۶ بهمن روز کومه‌له. روز گرامیداشت تلاش جریانی است، که حق سوسیالیزم را در جنبش انقلابی بر روی توده‌های محروم کردستان گشود.

روز گرامیداشت فعالیت سازمانی است که برای دستیابی به خواست عادلانه مردم کردستان یعنی کسب حق تعیین سرنوشت و پایان دادن به ستم ملی، علیه جمهوری اسلامی پیگیرانه مبارزه کرده است.

استراتژی کومه‌له در کردستان بر مبارزه کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، بر مبارزه علیه مردسالاری و سن‌های عقب مانده در برخورد به زنان، بر مبارزه برای تامین آزادیهای سیاسی و حقوق اولیه مردم زحمتکش استوار است.

روز کومه‌له، روز گرامیداشت حرکت‌های اجتماعی و پیشروی است که کردستان ایران را به سنگر مقاومت در برابر ارتجاع و ستمگری و دفاع از آزادی و آرمانهای انسانی تبدیل کرده است.

روز گرامیداشت تلاش جریانی است، که حق سوسیالیزم را در جنبش انقلابی بر روی توده‌های محروم کردستان گشود.

روز گرامیداشت فعالیت سازمانی است که برای دستیابی به خواست عادلانه مردم کردستان یعنی کسب حق تعیین سرنوشت و پایان دادن به ستم ملی، علیه جمهوری اسلامی پیگیرانه مبارزه کرده است.

استراتژی کومه‌له در کردستان بر مبارزه کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، بر مبارزه علیه مردسالاری و سن‌های عقب مانده در برخورد به زنان، بر مبارزه برای تامین آزادیهای سیاسی و حقوق اولیه مردم زحمتکش استوار است.

روز کومه‌له، روز گرامیداشت حرکت‌های اجتماعی و پیشروی است که کردستان ایران را به سنگر مقاومت در برابر ارتجاع و ستمگری و دفاع از آزادی و آرمانهای انسانی تبدیل کرده است.

افزایش اعتراضات و مبارزات کارگری در روزهای اخیر

گذشته با تشدید اعتراضات بومی منطقه به اقدامات مجتمع کشت و صنعت پارس‌آباد، هیجده نفر از ماموران مجروح شدند... سه دستگاه خودرو نیز تخریب شد. هم چنین تعدادی از اموال و خودروهای کشت و صنعت مغان نیز توسط معترضان به "سرقت" رفت.

کارگران شرکت «بهمن پلاستیک»، در اعتراض به تعطیلی شرکت و عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، روز سه شنبه ۲۹ دی ماه، در مقابل مجلس شورای اسلامی رژیم، دست به تجمع اعتراضی زدند. بدنبال واگذاری این شرکت به بخش خصوصی و تعطیلی آن حدود ۷ ماه است که کارگران آن، دستمزد خود را دریافت نکرده‌اند.

کارگران شرکت «ول سرویسز»، بعد از مدت‌ها کشمکش و اختلاف با کارفرمایان این شرکت، سرانجام موفق شدند، خواسته‌های خود را به کارفرمایان بقبولانند. ۳۱ کارگر شرکت «ول سرویسز»، که تعدادی از آنها به صورت قراردادی مشغول کار بوده‌اند، با تعطیلی واحد بوشهر شرکت نامبرده، بیکار شده بودند، اما با مقاومت و مبارزه پیگیر خود در برابر کارفرمایان و اتحاد و همبستگی طبقاتی توانستند بر سر کار خود برگردند.

کمیته کارگری کارخانجات تولیدی تهران، در تاریخ ۲۸ دی ماه، به دنبال پایان موفقیت‌آمیز اعتصاب کارگران نساجی کردستان، با صدور اطلاعیه‌ای تحت عنوان «همکاران نساجی دستتان را به گرمی می‌فشاریم»، همبستگی خود را اعلام کردند. در این اطلاعیه آمده است: «در پی اعتصاب کارگران نساجی کردستان، بالاخره کارفرما، که از حمایت بی دریغ مسئولین برخوردار بود مجبور به عقب نشینی شد و کارگران به بخشی از خواسته‌های خود دست یافتند. ما به همکارانمان در نساجی کردستان خسته نباشید می‌گوییم و دستشان را به گرمی می‌فشاریم».

این کمیته، همچنین در اطلاعیه دیگری تحت عنوان «گرامی باد یاد کارگران به خون خفته خاتون‌آباد»، نوشته است: «کارگران و مردم زحمتکش: روز ۴ بهمن ۱۳۸۲ کارگران خاتون‌آباد پاسخ اعتراضات خود را به اخراج و بی‌کارسازی با گلوله دریافت کردند و ۴ نفر از آنان توسط عوامل سرمایه‌داران کشته شدند. ما به همراه دیگر همکارانمان در سراسر کشور به منظور ابراز همدردی با خانواده‌های قربانیان این فاجعه و مخالفت با هرگونه اخراج و بی‌کارسازی در روز ۴ بهمن ساعت ۱۰ صبح به مدت ۵ دقیقه دست از کار خواهیم کشید». در شرایطی که مبارزه کارگران در شهرها و صنایع و کارگاه‌های مختلف در جریان است و روز بروز نیز رو به افزایش است، طبقه کارگر ایران کمکان از عدم تشکیل‌های خود به منظور ارتقا و سراسری کردن مبارزات روزمره اش رنج می‌برد. شکی نیست که کارگران، تنها با سازماندهی تشکلهای ضدسرمایه‌داری و سراسری کردن مبارزات پراکنده‌شان می‌توانند مطالبات خود را به سرمایه‌داران و دولت حامی آنها تحمیل کنند؛ مبارزه خود را از حالت تدافعی فعلی به سطح تعرضی ارتقاء دهند و خود را به عنوان یک طبقه متحد و متشکل سازند تا نقش تاریخی خود را برای تغییر و تحولات و دگرگونی‌های عمیق در همه عرصه‌های اقتصاد، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایفا کند و با رها کردن خود، کل جامعه را از زیر یوغ و ستم سیستم ستمگر و استثمارگر سرمایه داری رها سازد.

جنبش کارگری در ایران، در هفته‌های اخیر اعتراضات و اعتصابات خود را برای تحمیل مطالبات اقتصادی و اجتماعی به کارفرمایان و رژیم حامی آنها، افزایش داده است. در اینجا به چند نمونه از آخرین فعالیتهای اعتراضی کارگران در شهرهای مختلف ایران اشاره می‌کنیم:

کارگران شرکت «سیانا»، روز شنبه ۲۶ دی ماه ۱۳۸۳، خواستار دریافت حقوق و مزایای خود بودند، در مقابل ساختمان خانه کارگر ساوه دست به تجمع اعتراضی زدند. یکی از مسئولین خانه کارگر ساوه، در گفتگو با خبرگزاری کار ایران «ایلنا»، درباره تجمع کارگران شرکت «سیانا»، گفت: «در شرکت صنایع مواد غذایی "سیانا" که تولیدکننده انواع کیک، بیسکویت و ماکارونی است، در سال ۷۵ متجاوز از ۷۰۰ کارگر مشغول کار بودند که به علت بروز حادثه آتش‌سوزی در تیر ماه همان سال بیکار شدند». وی افزود: «به نظر می‌رسد؛ بروز حادثه آتش‌سوزی ساختگی بود و به منظور شانه خالی کردن کارفرمای شرکت "سیانا" از تعهدات قانونی و کاهش و تصفیه نیروی کار صورت گرفت». ۱۵۲ کارگر شرکت "سیانا"، هم‌اکنون ۳۰۰ میلیون تومان سنوات کاری طلب‌کارند که از اداره کار و امور اجتماعی، فرمانداری و دادگستری شهرستان ساوه خواستار رسیدگی به وضع کارگران و گرفتن حقوق و مطالبات خود هستند.

کارگران شرکت صنعتی "پارس مینو"، از بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۹ دی ماه، در اعتراض به عدم تحقق برخی از خواسته‌های خود از جمله با مطالبه اضافه دستمزد و پرداخت سه ماه سنوات، در این شرکت دست به تحصن زده‌اند. یکی از نمایندگان کارگران اعتصابی در تاریخ ۳۰ دی ماه ۱۳۸۲، به خبرگزاری کار ایران، ایلنا، گفت: «سرانجام امر آن شد که از روز گذشته و پس از بی‌نتیجه ماندن مذاکرات و استعفای نمایندگان کارگران، تمامی ۱۷۰۰ کارگر کارخانه مینو دست به اعتصاب زدند». وی افزود: «در حالی که مدیران حقوق‌های چند میلیون تومانی می‌گیرند کارگران بیش از صد و شصت هزار تومان دریافت نمی‌کنند و از سوی دیگر بسیاری از مزایای جانبی آنها را نیز قطع کرده‌اند... سالی هفتاد هزار تومان هزینه دندان پزشکی و سایر هزینه‌های درمانی که در گذشته پرداخت می‌شد نیز قطع شده است و کالاهای غیرنقدی را نیز نمی‌دهند؛ همچنین سود سالانه سهام که در حدود دویست و پنجاه هزار تومان پرداخت می‌شد نیز سه سال است، پرداخت نشده و مدیریت اعلام کرده تا پنج سال آینده سود سهام را به کارگران نمی‌دهد».

ایلنا، در تاریخ ۲۸ دی ماه، به نقل از مسئولین خانه کارگر رژیم در اردبیل، نوشت: «بیش از یک هزار کارگر "کشت و صنعت مغان"، اعم از قراردادی و رسمی از کار برکنار می‌شوند.

در "کشت و صنعت مغان"، حدود ۵ هزار کارگر مشغول کار هستند که به بهانه ازدیاد و اضافه بودن نیرو، مدیران این شرکت قصد تعدیل و برکناری تعدادی از کارگران را دارند. گفته می‌شود، کارگران این شرکت در وضعیت اسفباری به سر می‌برند و حدود ۴ ماه است که حتی دستمزد ناچیز آنها نیز پرداخت نشده است. بنا به اقرار سرپرست اجرایی خانه کارگر اردبیل، در استان اردبیل، اکثر کارگران شاغل در کارخانه‌ها و شرکت‌ها نه تنها بیمه نشده‌اند، بلکه از مزایا و دریافت اضافه کاری هم محروم هستند.

سایت بارتاب نیز در تاریخ ۲۷ دی ماه، از اردبیل گزارش داد که: «روز